







doi 10.22059/jis.2023.357821.1194

Research Paper

## Reasons for believing in good and bad times in the Qajar era and its political and social consequences

Nilofar Mosavi<sup>1</sup>  Hassan Zandiyeh<sup>2</sup>  Amirtymour Rafiei<sup>3</sup>  Hamidreza Safakish<sup>4</sup> 

1. PhD student, Department of History, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran.

Email: [Nmosavi11@gmail.com](mailto:Nmosavi11@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [Zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:Zandiyehh@ut.ac.ir)

3. Associate Professor, Department of History, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat Branch, Mahalat, Iran. Email: [Amirteymour\\_rafiei@yahoo.com](mailto:Amirteymour_rafiei@yahoo.com)

4. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: [Dr.h.safakhish@gmail.com](mailto:Dr.h.safakhish@gmail.com)

### Article Info.

### Abstract

**Received:**  
2023/04/14

**Accepted:**  
2023/10/16

**Keywords:**  
*good and (bad) luc ,Astrological rules Superstitions ,Qajar*

The Belief in astronomical laws and the influence of heavenly objects on human life is the Iranian's oldest beliefs. various aspects of political life and the society of the people in Qajar era are such as ,Using the rules of astrology in campaigns, making treaties, war and peace, sitting on the royal throne, hunting, traveling, shopping, trading, education, prayer, treatment of diseases, marriage, etc. Believing in the auspiciousness and bad luck of days was an important part of their beliefs and the effects of heavens. Such a belief created decisions, actions and knowledge in accordance with the traditional discourse of the society on the subject of astronomical rulings. Therefore, the current research tries to answer this question, what were the socio-political foundations of the belief in good and bad luck from a historical perspective in this period, and what consequences did this issue have on the political and social life of Iranians during the Qajar era? This research has described, analysed and explained the traditional dominant discourse of the society with the constructivist methodology on the two levels of action and structure on the subject of good and bad luck days and its consequences from the view of superstition paradigm. Based on research findings, psychological factors such as fear, The oppression and low status of women in this period had led to the spread of the belief in the bad themes, and the determination of good times in the calendars of this period played an effective role in the continuation and spread of this belief.

**How To Cite:** Mousavi ,Zandiyeh., Rafiei., Safakish. (1403). Reasons for believing in good and bad times in the Qajar era and its political and social consequences. Iranian studies, 14(4), 1-20

**Publisher:** University of Tehran Press.





## باور به سعدونحس ایام در عصر قاجاریه و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن

نیلوفر موسوی<sup>۱</sup> | حسن زندیه<sup>۲</sup> | امیر تیمور رفیعی<sup>۳</sup> | حمیدرضا صفاکیش<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. رایانامه: [Nmosavi11@gmail.com](mailto:Nmosavi11@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [Zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:Zandiyehh@ut.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران. رایانامه: [Amirteymour\\_rafiee@yahoo.com](mailto:Amirteymour_rafiee@yahoo.com)

۴. استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

[Dr.h.safakhish@gmail.com](mailto:Dr.h.safakhish@gmail.com)

### اطلاعات مقاله چکیده

باور به احکام نجومی و تأثیر اجرام سماوی بر زندگی انسان، از کهن‌ترین باورهای ایرانیان است. این اعتقاد نه تنها بخش مهمی از فرهنگ عامه بوده؛ بلکه در سطوح مختلف حکومتی، همواره نفوذ و گسترش بسیاری داشت. استفاده از احکام نجوم در لشکرکشی، عقد پیمان، جنگ‌و صلح، جلوس به تخت شاهی، شکار، سفر، خرید، تجارت، تعلیم و تعلم، دعا، درمان بیماری، ازدواج، و... تنها نمونه‌هایی از تأثیر این باور در وجوه مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی مردم در عصر قاجاریه بود. باور به میمنت و خوش‌یمنی و یا نحوست و بدیمنی برخی از روزها، بخش مهمی از اعتقاد به تأثیر افلاک بود؛ که به مرور با پاره‌ای از احکام دینی نیز، درهم آمیخته بود. چنین اعتقادی، تصمیم‌گیری‌ها، عملکردها و دانشی مطابق با گفتمان سنتی جامعه در موضوع احکام نجومی پدید آورد که در شقوق مختلف حیات سیاسی و اجتماعی خود را نمایان می‌کرد. از این‌رو، پژوهش حاضر، در پی پاسخ به این پرسش است که پایه‌های اجتماعی - سیاسی باور به سعدونحس ایام در این دوره چه بوده و این مسئله چه پیامدهایی بر زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان عصر قاجاری داشت؟ این پژوهش، با روش‌شناسی ساختمندگرا در دو سطح کنش و ساختار به توصیف، تحلیل و تبیین گفتمان مسلط سنتی جامعه در موضوع سعدونحس ایام و پیامدهای آن از دیدگاه پارادایم خرافات می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق، عوامل روان‌شناسی چون ترس، تسلیم‌پذیری و تقدیرگرایی در کنار جهل علمی و مقاومت در برابر اندیشه‌های جدید، فقدان نظام آموزشی متشکل، خدمات درمان عمومی و دولتی، نابسامانی‌های سیاسی، قحطی و مشکلات اقتصادی، استبداد، ظلم‌وستم و جایگاه نازل زنان در این دوره، منجر به رواج و گسترش باور به سعدونحس ایام شده و تعیین اوقات نیک‌بود در تقویم‌های این دوره، نقش مؤثری در گسترش، تداوم و تداول چنین باوری داشت.

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۲/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳/۰۷/۲۴

واژه‌های کلیدی:  
سعد - نحس - احکام  
نجوم - خرافات -  
قاجاریه..

استناد به این مقاله: موسوی، نیلوفر؛ زندیه، حسن؛ رفیعی، امیر تیمور، صفاکیش، حمیدرضا (۱۴۰۳). باور به سعدونحس ایام در عصر

قاجاریه و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن. پژوهش‌های ایران‌شناسی، (۴) ۱۴، ۱-۲۰



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

در دوره‌ی قاجاریه، به علت وجود مشکلات و معضلات عدیده در تمام وجوه زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در نتیجه‌ی چند قرن آشوب و نابسامانی سیاسی پدید آمده بود؛ زمینه و موجبات رواج خرافه در جامعه بسیار فراهم گردید. گرایش به انواع طلسم‌ها، تعویذها، جادو و جنبل از مهم‌ترین مظاهر رواج خرافه در جامعه آن دوره بود؛ خرافه‌پرستی برخلاف ادوار پیشین که از علومی چون نجوم و اخترشناسی و طالع‌بینی متأثر بود؛ در این دوره، از طریق برخی اصول و مبانی دین اسلام راه نفوذ خود به مذهب را در اذهان عمومی یافت؛ رسوخ و نفوذ عقاید خرافی و بی‌اساس در روضه‌خوانی‌ها و همچنین سایر آداب‌ورسوم مذهبی در این زمان، بیش از پیش دیده می‌شود. اعتقاد به مسائلی مانند قضاوقدر، چشم زخم، سعدونحس ایام، استخاره در مسائلی که احتیاج به تعقل و تفکر داشت، ذکر مسائل و مطالب بی‌اساس در روضه‌خوانی‌ها، چهل‌منبر، قمه‌زنی، سنگ‌زنی، شمع‌آجین، قفل‌آجین در مراسم عزاداری، شمایل کشی و... انواع دیگری از خرافات رایج این دوره بود. این موضوع، تنها محدود به رواج در میان مردم عادی جامعه نبود و دامنه گسترده‌ای در میان اقشار مختلف مردم داشت و در میان حکام، درباریان و حرمسرای شاهان قاجاری نیز، متداول بود.

توجه به علم نجوم به عنوان دانشی مستقل از دین، همواره در جامعه ایرانی با ریشه‌ای عمیق در تاریخ " رواج دارد.

و از زمانی که به تمدن اسلامی سرایت کرده، به عنوان یک علم شناخته می‌شد؛ دانش نجوم به خصوص احکام نجومی، زمانی که با مسائل دینی آمیخته می‌گردید، پرطرفدار بود و به رغم وجود مخالفان علم احکام نجوم، در فرهنگ عمومی کاملاً پذیرفته شده بود. در میان شقوق مختلف این دانش، امر سعدونحس ایام، پدیده‌ای عمومی میان مردم و امری ریشه‌دار و عمیق در فرهنگ ایرانیان بود. درهم‌تندگی موضوع سعدونحس ایام با تقویم‌های سالانه و نیز، باورهای مذهبی و وجود نسبت میان آن‌ها و زمان و موقعیت نجوم، سبب شد تا بیشتر اقوام از جمله ایرانیان، باور به سعدونحس برخی ساعات و روزها را بپذیرند (جعفریان، بی‌تا: ۱۸-۱۹).

اعتقاد به مسئله سعدونحس و سایر باورهایی که بدین نحو در فرهنگ ریشه دوانیده‌اند، پیشینه‌ای کهن دارد؛ چنین باورهایی در عمق فرهنگ و تمدن‌های کهن قابل پیگیری هستند. طبعاً جامعه‌ی ایرانی عصر قاجاری نیز، میراث‌دار باورها، افکار، آراء و عقایدی بود که از درازنای تاریخ و بعضاً از ایران باستان میراث برده و در گذر زمان با تغییر دین و مذهب، رویه و ظاهری متفاوت یافته و در فرهنگ مردم ایران باقی

مانده بود؛ بی‌خبری و عدم آگاهی صحیح و عمیق از مقدرات الهی، حوادث طبیعی و روابط عللی و معلولی باعث شد تا گذشتگان تصور کنند عوامل ماورالطبیعی و یا اجرام آسمانی در رویدادهای زندگی آنها مؤثر هستند. از این رو، با توسل به راهکارهای مختلف، به تلاش برای مقابله با حوادث مذکور و خنثی نمودن اثرات منفی آنها پرداختند. این روش‌ها، اگرچه در خنثی کردن پیامدهای منفی وقایع و بهبود شرایط آنها اثری نداشتند؛ اما با خود نوعی آرامش روحی و معنوی به همراه می‌آوردند؛ با توسل به این اعمال از حجم فشارها و اضطراب‌ها بر افراد کاسته می‌شد. از این رو، این رفتارها به حوزه آداب‌ورسوم و فرهنگ وارد شد و به عنوان بُعدی از گفتمان مسلط سنتی جامعه در عمق جان مردم ریشه دوانیدند. مردم جامعه عصر قاجاریه نیز، همچون گذشتگان با گرایش به چنین اعتقاداتی، سعی در بهبود وضعیت نابسامان زندگی خود داشتند. عدم آموزش مناسب و فقدان آگاهی از یافته‌های علوم جدید، سبب شده بود که مردم این دوره نیز، به چنین باورهایی چنگ زده و این باورها، جزوی از فرهنگ محسوب شوند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که پایه‌های اجتماعی - سیاسی باور به سعدونحس ایام در عصر قاجاریه از منظر تاریخی چه بود و اعتقاد به آن چه تأثیری بر حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان به دنبال داشت؟

## ۲-۱. چارچوب مفهومی: خرافات

خرافات به معنای عقاید و باورهای بی‌اساس و واهی است که با عقل و منطق هم‌خوانی ندارد. خرافه، اوهام و باورهای به دور از عقلانیت، همواره در دوره‌های مختلف، در طول تاریخ، در زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم نقشی مؤثر داشته و بر اعمال و رفتار و تصمیم‌گیری‌های آنان تأثیرگذار است. نفوذ و رسوخ باورهای خرافی و انحرافات عقیدتی و اوهام، تأثیری مستقیم بر فضای فرهنگی، رفتارهای اجتماعی، بهداشت، سلامت روانی و روحی افراد جامعه دارد و موجب گرایش و ترویج مسائل و مشکلاتی چون؛ بی‌انگیزگی، تلقین و تسلیم در برابر سرنوشت، تقدیرگرایی، تقویت حس ناامنی و عدم آرامش روحی و اعتماد، فرافکنی و عدم اعتقاد به قدرت اختیار و تصمیم‌گیری و تأثیرگذار بر واکنش‌های افراد در برابر مسائل و حوادث پیرامون، در زندگی شخصی و اجتماعی و... می‌شود. بنابراین، ترویج، إشاعه و پیروی از باورهای غیرعقلانی و خرافی در اجتماع، اثری قابل توجه، دامنه‌دار و گسترده در بسیاری از شئون زندگی افراد داشته و می‌تواند در بسیاری از مسائل زندگی شخصی و اجتماعی تأثیری منفی برجای گذارد. خرافه، واژه‌ای عربی است و ریشه آن (خَرَفَ) به معنای (چیدن میوه) یا (پیری و فرتوتی) است. «خرافه»، مصدر این فعل است و در تداول فارسی بر سخنان بیهوده و پریشان که ناخوشایند باشد، اطلاق می‌شود (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۱۰۹). برخی فرهنگ لغت‌های عربی، خرافه را سخن جذاب و نمکین و دروغ معنا کرده‌اند (خوری شرتونی ۱۹۹۲: ج ۱، ۲۶۸).

واژه خرافات از حدود قرن چهارم قمری، معادل و ترجمه واژه فارسی افسانه محسوب می‌شد؛ مسعودی در

این باره در کتاب مروج الذهب می‌گوید؛ «هزار و یک شب عربی، مجموعه خرافاتی مقتبس از هزار افسانه ایرانی است و خرافه را به فارسی، افسانه گویند» (مسعودی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۰۶). علامه طباطبایی، خرافات را اعتقادات بی‌اساس دانسته و می‌نویسد؛ «اعتقاد به آنچه علم به حقیقت آن نداریم و نمی‌دانیم خیر است یا شر، جزو خرافات است» (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۴۲۲).

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان باورهایی را که فاقد بنیاد تجربی و علمی است، جزو «خرافه» طبقه‌بندی می‌کنند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۵۳). باورها و مناسک خرافی را نباید صرفاً به عنوان اموری مرتبط به گذشته‌های دور فهم کرد؛ بلکه می‌بایست آن را برحسب نقشی که در فرهنگ‌های امروزی ایفا می‌کنند و کارکردهای آن‌ها فهمید (همان: ۵).

در فهم عرفی و عقلانیت عصر، خرافه باورهایی است که با عقلانیت دوره و زمان سازگار نباشد و فهم عرفی آن را خرافه بیندارد. در فهم دینی، خرافات باورهایی هستند که با متن دین و تفسیر مؤمنان از دین، سازگار نباشد و جمع مؤمنان و معتقدان، آن را خرافه تلقی کنند و در فهم علمی، خرافات باوری است که با شیوه علمی سازگار نباشد و جمع عالمان آن را خرافه بپذیرند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۲). دیوید هیوم معتقد است؛ تمایل به خرافات را هرگز نمی‌توان از بین برد، به عقیده وی، خرافات بخش جدایی‌ناپذیر آن دسته از راهکارهای سازگاری انسان است که بدون آن‌ها، آدمی قادر به ادامه حیات نیست (افشانی، ۱۳۹۱: ۳۴). جایگزینی، تسکین‌بخشی و تسلط‌آفرینی نیز، از ویژگی‌های خرافه است که سبب می‌شود خرافات به سرعت به وجود آمده و جانشین انواع دیگر شود. به اعتقاد یونگ، اگر اجتماع نتواند مضامین مشترک برای باورهای ما عرضه کند، مجبور خواهیم شد به جای آن‌ها به چیزهای دیگر متوسل شویم. باورهای خرافی در لحظه‌ای از زمان که ترس و عدم اعتماد به وجود می‌آید، رشد می‌کنند و با ایجاد نوعی تسکین، حس آرام‌بخشی به فرد می‌دهد (همان: ۳۷).

خرافات و خرافه‌پرستی و گرایش به آن، عمری به درازای حیات بشر دارد و در طی تاریخ، این مسأله بنابر علل مختلف، ضعف و قوت یافته؛ در قالب مسائل و مشکلات گوناگون نمود پیدا کرده است. با بررسی مسائل اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی، فکری و فرهنگی جوامعی که در آن خرافات رایج است، می‌توان نقش و اهمیت این موارد را در ایجاد، رشد و تداوم این پدیده متوجه شد. میزان گسترش، رواج و نوع خرافات نیز، با شرایط موجود در جامعه ارتباطی مستقیم دارد.

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه تحقیق حاضر، می‌توان به مقاله «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعدونحس ایام»<sup>۱</sup> اشاره کرد. رسول جعفریان در این مقاله، به مسئله نجوم و تنجیم از زاویه قرآن و روایات با تکیه بر رساله «انوار مُشرَقه» از میرمحمد صالح خاتون آبادی، فقیه، محدث و شیخ‌الاسلام اصفهان در اواخر عصر صفوی می‌پردازد؛ مسئله اختلاف نظر میان منجمین و متشرعین درباره‌ی احکام نجومی بر سر تعیین موالید، یعنی موقعیت نجوم و کواکب نسبت به یکدیگر در وقت ولادت فرد، ازدواج، سعدونحس ایام و... مهمترین موضوع در میان علمای علم نجوم بود؛ زیرا منجمین بر محوریت خورشید در محاسبات تنجیمی خود باور داشتند و متشرعین و اهل حدیث بر محوریت ماه. طبق این مقاله، برخی از علما مخالف کامل باور به تنجیم در امور دنیوی بودند و آن را شرک می‌دانستند، اما برخی دیگر، آن را باور داشته و تمام تأثیرات اجرام سماوی بر زندگی انسان را ناشی از تقدیر و اراده‌ی الهی دانسته و معتقد بودند تنها با توکل بر خدا می‌توان از نحوست ایام نجات یافت.

همچنین، مقاله «واکاوی نقش فرهنگ ناسالم سیاسی (خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی) بر توسعه نیافتگی عصر قاجار تا پیش از مشروطه»<sup>۲</sup> به بررسی علل توسعه‌نیافتگی ایران عصر قاجاریه در دو بعد فردی - روانشناختی و ساختاری - بروکراتیک می‌پردازد. در این مقاله، تأثیر عقاید و باورهای خرافی بر سیاست‌های حکومت قاجاریه و عقب‌ماندگی ایران، تبیین می‌شود؛ به اعتقاد نویسنده مقاله، گفتمان مسلط سنتی در این عصر در قالب باورهای خرافی به ویژه اعتقاد به سعدونحس ایام و تقدیرگرایی، از عوامل اصلی تأثیرگذار بر بعد ساختاری - بروکراتیک حاکمیت بود که نهایتاً منجر به توسعه‌نیافتگی ایران در سده سیزدهم هجری شد.

مریم ثقفی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تعامل تنجیم و طبابت با مرور اجمالی بر فعالیت‌های حاجی نجم‌الدوله و خاندان وی»<sup>۳</sup> ضمن اشاره به مسئله تنجیم و سعدونحس ایام در تقویم‌های عصر قاجاری، با تکیه بر تفاوتیم نجم‌الدوله و خاندان وی و تداخل کار منجمان و تأثیر احکام نجومی بر پزشکی و طبابت، به رویارویی سنت و مدرنیته در این زمینه می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که به دلیل استقبال زیاد جامعه از این قبیل احکام، خاندان نجم‌الدوله با وجودی که خود از مروّجان علوم جدید، به ویژه نجوم جدید بودند؛ اما به انتشار تقاویمی مبادرت ورزیدند که به مسئله احکام نجومی و سعدونحس ایام

۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۹). دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعدونحس ایام (مروری بر رساله انوار مُشرَقه خاتون آبادی). مجله پیام بهارستان، سال سوم، (۱۰).

۲. پورملائی، روح‌الله و دیگران (۱۳۹۳). واکاوی نقش فرهنگ ناسالم سیاسی (خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی) بر توسعه نیافتگی عصر قاجار تا پیش از مشروطه، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، (۴).

۳. ثقفی، مریم (۱۳۹۴). بررسی تعامل تنجیم و طبابت با مرور اجمالی بر فعالیت‌های حاجی نجم‌الدوله و خاندان وی. فصلنامه تاریخ پزشکی، (۲۲).

می‌پرداخت.

مقاله «تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم قمری»<sup>۱</sup> از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه است؛ که به بررسی تأثیر تحولات فکری و سیاسی بر باورهای نجومی و مسئله سعدونحس ایام در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان در سده‌های میانه می‌پردازد. طبق تحلیل این مقاله، شکل‌گیری مکاتبی نظیر قدریه، جهیمیه، اشعری و... در قرون نخستین و اعتقاد این فرق به جبرگرایی زمینه را برای احیای دوباره‌ی اندیشه‌های جبری در قالب مباحث فلسفی و کلامی در جهان اسلام مهیا کرد. افزون بر آن، ظهور ترکان و مغولان در ایران و تشکیل حکومت‌های قدرتمند، زمینه را برای رشد باورهای نجومی در جامعه فراهم آورد و آن را به بخشی از فرهنگ جامعه در قرون میانه تبدیل شد.

در تمام آثار فوق به صورت گذرا سعدونحس ایام مورد اشاره قرار گرفته؛ اما در هیچ یک از آثار مذکور، پایه‌های اجتماعی - سیاسی باور به سعدونحس و تبعات اجتماعی و سیاسی آن بطور مشروح مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است؛ از این رو، وجه تفاوت پژوهش حاضر با آثار پیشین، تمرکز بر آثار و تبعات اعتقاد به تأثیر اجرام سماوی در سعدی و نحوست اوقات در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان عصر قاجاری به عنوان بخشی از گفتمان مسلط سنتی می‌باشد.

#### ۴-۱ روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر، مبتنی بر روش‌شناسی ساختارگرا است؛ مطابق با این مدل، تبیین‌های اجتماعی و رفتاری را باید از منظر یا چشم‌انداز دوگانه‌ی کنش و ساختار مورد ارزیابی قرار داد؛ این رویکرد با ارائه و بسط مفاهیم مربوط به موجودیت مستقل واقعی افراد و ساختارهای نهادین جامعه که در عین حال دارای وابستگی متقابل هستند، به تبیین وقایع می‌پردازد. طبق فلسفه‌ی این روش، ساختارها دارای ویژگی‌ها و توانمندی‌های مستقل از رفتارهای افراد تشکیل‌دهنده آن ساختارها هستند؛ از سوی دیگر، ویژگی‌ها و توانمندی‌های مذکور، مستقل از کاربست‌ها و اعمال ساختاری افراد نیستند. بدین ترتیب، اشخاص و ساختارها، قدرت‌های علی متفاوتی از خود بروز می‌دهند. از این رو، در این پژوهش نیز در دو سطح، مسئله تحقیق مورد تبیین قرار خواهد گرفت؛ افراد به مثابه عاملان و کارگزاران مهم اجتماعی - سیاسی که در توسعه، رشد و نهادینه کردن فرهنگ تنجیم مورد توجه بوده‌اند و ساختارها، رفتارها، خودآگاهی و تحول اجتماعی به مثابه‌ی یک

۲. زرگری، فاطمه و علی یحیایی (۱۳۹۳). تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم قمری. مجله مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۴۶ (۹۳).

نظام اجتماعی و یک کل فرهنگی مورد تبیین قرار گرفته است (کریستوفر لوید مندرج در فلسفه تاریخ (روشن‌شناسی و تاریخ‌نگاری)، ۱۳۹۲: ۳۲۲-۳۲۴).

## ۲. احکام نجوم به مثابه یک علم کهن

نزد اصحاب نجوم و منجمین، علم نجوم مشتمل بر دو قسمت بود؛ علم نجوم به مثابه علمی مستقل که دلالت بر مشاهده و رصد ستارگان و سیارات، شناخت ترکیب افلاک، انواع بروج، مقادیر و فواصل آن، استخراج تقاویم و تواریخ و ساخت ابزارآلات نجومی داشت و دیگری علم چگونگی استدلال از دوران افلاک و طالع برج‌ها و حرکت ستارگان بر آن چه که در زیر فلک رخ خواهد داد که آن را علم احکام نجوم می‌نامند که البته قرابت‌های زیادی با علم نجوم یا هیئت دارد (نیلنو: ۳۱-۳۸).

موضوعی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، احکام نجومی است؛ دانش تنجیم، تأثیرات سیارات و ستارگان بر حسب طبایع یعنی خشکی و تری، گرمی یا سردی آن بر موجودات زمینی به ویژه انسان (بیرونی، ۱۳۶۷: ۳۱۶-۳۱۸). شاخه‌های تنجیم در دوره اسلامی، همان شاخه‌های مورد استفاده نزد یونانیان و ایرانیان باستان بود. از نظر ابوریحان بیرونی و ابونصر قمی، احکام نجوم در پنج بخش کلی قابل تقسیم‌بندی بودند (همان: ۵۱۱؛ قمی، ۱۳۷۵: ۱۹۷)؛ بخش اول شامل احکام عالم و معرفت بر حوادث و وقایعی که در عالم مادی (سفلی) واقع می‌شد؛ بخش دوم شکل‌دهنده‌ی سرشت گیاهان و کانی‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری انسان، حوادث جوی و اقالیم هفت‌گانه بود؛ بخش سوم با عنوان احکام موالید به تعیین زایچه و طول عمر مولود از طریق استخراج طالع و سعدونحس سیارات می‌پرداخت؛ قسمت چهارم با عنوان «اختیارات» تعیین کننده‌ی بهترین زمان برای انجام امور مربوط به زندگی روزمره بود و بخش پنجم نیز با عنوان «ضمیر و خبی» در ارتباط با نیت سؤال‌کننده بود (زرگری، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

### ۲-۱. احکام نجوم در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه، همچون گذشته انتخاب زمان سعد برای انجام امور زندگی، از مهم‌ترین مشغله‌های مردم بود. این عمل، تنها مختص عوام نبود؛ بلکه درباریان و کارگزاران حکومت و شاهان قاجاری نیز، به این کار مبادرت ورزیده و جز در زمان‌های خاصی که از سوی منجمین به عنوان زمان سعد مشخص می‌شدند، دست به اقدامی نمی‌زدند (شیل، ۱۳۶۸: ۵۹). از این رو، منجمان دربار از جایگاه مهمی برخوردار بودند. تقویم‌های نجومی که این افراد تنظیم می‌کردند، به شدت مورد توجه شاهان، حکام و مردم طبقات پایین بود. تقویم‌های نجومی هر ساله در ابتدای فروردین با تعیین ایام و ساعات سعدونحس منتشر می‌شدند. این تقویم‌ها، علاقمندان بسیاری داشتند؛ به گونه‌ای که محل فروش آن‌ها به صورت آگهی در



روزنامه‌ها اعلام می‌شد و نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای عثمانی و هند نیز، طرفدارانی داشت. روزنامه‌های فارسی زبان که در خارج از ایران منتشر می‌شدند؛ آگهی‌هایی در رابطه با فروش تقویم‌های مذکور در کشورهای مختلف منتشر می‌کردند. به طور مثال، در روزنامه اختر که در استانبول به چاپ می‌رسید، آدرس محل فروش این تقویم‌ها در عثمانی ذکر شده بود (روزنامه/ اختر، (۴۳)، (۱۲۹۴).

این علم، شامل احکام نجومی در زمینه تعیین اوقات مناسب برای خوردن دارو و انجام درمان، رفتن به سفر، خرید، تجارت، ازدواج و... می‌باشد. این اطلاعات در کتاب‌هایی با نام تقویم، به صورت عمومی منتشر شده و در اختیار مردم قرار می‌گرفت. به واسطه علاقه مردم به دانستن زمان‌های سعدونحس، این تقویم‌ها معمولاً علاقمندان و خریداران بسیار داشت (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۰۲). از این رو، با تیراژ بالا منتشر می‌شد و همین امر منجر به فراگیری هرچه بیشتر این احکام و عقاید در جامعه می‌شد. تقویم‌های مذکور، نظر سیاحان خارجی را نیز، به خود جلب کرده بود؛ این گونه تقویم‌ها و کتب از دوره‌های پیش از قاجاریه به ویژه عصر صفوی رواج بسیاری داشتند و شمار بالای نسخ خطی باقی مانده از آن‌ها، مؤید اهمیت آن‌ها هستند (همچون: مقامات، نسخه خطی کتابخانه ملک، نسخه ۵۷۴۲).

بروگش<sup>۱</sup> که در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۸ق/ ۱۸۶۱-۱۸۶۰م در ایران حضور داشت در سفرنامه خود در باب تقویم‌های ایرانی و محتویات آن نوشته است:

«در تقویم‌های ایرانی معین می‌شود که چه روزهایی باید به حمام رفت و یا چه موقع باید ناخن گرفت. این تقویم‌ها هر ساله قبل از عید نوروز، به تعداد زیاد و به قطع‌های مختلف، چاپ و به فروش می‌رسند» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۳).

از کارکردهای مهم علم تنجیم، پیشگویی زمان مناسب برای انجام امور مربوط به پزشکی و نیز، برخی اعمال مربوط به بهداشت شخصی بود. این گونه احکام در بسیاری از متون تخصصی پزشکی، نجوم و سایر مجموعه‌های مرتبط با علوم مذکور ارائه می‌گردید (همچون: رساله کنزالحساب، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴۵۲۰). افزون بر آن، علم احکام نجوم با سایر شاخه‌های علوم غریبه نظیر رمل، احضار روح، سحروجادو، طلسمات و... ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا تعیین زمان مناسب (برج، روز، ساعت) در همه شاخه‌های علوم غریبه، مورد توجه بوده و توسط علمای این علوم به آن تأکید شده است (شیخ بهایی، ۱۳۹۲ ق).

در این دوره، احکام نجومی چون گذشته، مورد توجه بسیار بود؛ استنساخ شمار بالای رساله‌های گوناگون در موضوع احکام نجومی با نام‌های "معرفت تقویم"، "رساله در احکام نجومی"، "اختیارات الایام" و...، مؤید این مسئله است. تقریباً بیشتر رساله‌های باقی مانده از این زمان در موضوع احکام نجومی، سوادهایی از رساله‌های گذشته به ویژه عصر صفوی است. هر چند در این دوره، بر خلاف ادوار پیشین،

۱. Brugsch

تقویم‌های مختصر و فشرده‌ای جهت استفاده راحت‌تر چاپ گردید که در آن به صورت سرواژه، سعدونحس و بایدونباید کارها در ایام ذکر می‌شد (همچون: رساله علم اصول نجوم، نسخه خطی، شماره ۱، ۱۱۲۹۲؛ تقویم رقومی چهل‌وسومین سال سلطنت، نسخه خطی، شماره ۱۱۰۹۲؛ جدول خطوط کواکب و اختیارات ساعات و سعدونحس روزها، نسخه خطی، شماره ۱۴۷/۷۳۸۷، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران).

مسئله سعدونحس ایام، همواره به عنوان بخش مهمی از رساله‌های احکام نجومی بوده است؛ در واقع، هدف اصلی از استخراج این تقویم‌ها که شامل تعیین شکل، حرکت، جایگاه (منزل)، مقدار، تناظر، تقابل، مزاجات، حالات، اوج و حضيض و... بروج دوازده‌گانه، کواکب، روزها و ساعت‌ها است؛ از جهت تأثیری بود که هر یک از برج‌ها و ستارگان بر اوقات کلی سال، ماه، روز و ساعت می‌گذاشتند. از این‌رو، معرفت تقویم در اصطلاح نجومی، به معنی راست کردن بود (رساله در معرفت تقویم، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴۱۱۲، عکس شماره ۶)؛ یعنی تعیین درست و دقیق اوقات از جهت اعمال، رفتار و تصمیم‌گیری‌ها در تمامی امور.

هر سال، ماه و روز بر اساس این که موکل چه نوع حیوان و ستاره‌ای می‌شدند، صفات و منسوباتی داشتند؛ که در تعیین سعدونحس آن‌ها مؤثر بود و ضرورت داشت تا افراد مطابق آن، کلیه امور خود را تنظیم کنند؛ این احکام، تمامی امور زندگی سیاسی و اجتماعی افراد را شامل می‌شد؛ دیدار یا عدم دیدار با حاکمان و شاهان و بزرگان، حل یا عدم حل اختلافات حقوقی و شرعی، داد خواستن، ازدواج و طلاق، پیمان بستن، شروع کار نو، تعلیم و تعلم، به مکتب فرستادن فرزندان، شرکت یا عدم شرکت در مجالس و میهمانی‌ها، زراعت کردن، کاشت درخت، شکار کردن، سلمانی رفتن، ناخن چیدن، نو بریدن و نو پوشیدن، ملک و برده خریدن، ختنه کردن، از شیر گرفتن کودک، دارو و مسهل خوردن، سفر کردن و... (اختیارات حیدری، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۲۱، عکس ۱۸ تا ۲۱)؛ برای مثال؛ در این تقویم‌ها، سال گوسفند: سال حرب، غارت و بیماری بود و سال بوزینه: سال جنگ و نزاع میان امرا و اکابر؛ در عوض سال خرگوش: سالی پر از نعمت، پر از محصول، همراه با زمستان آسان در بعضی مناطق. افزون بر آن، با توجه به این که اول هر سال با چه روزی آغاز می‌شد، احکام خاصی تعیین می‌گردید؛ برای مثال؛ اگر اول سال قمری با شنبه شروع می‌شد؛ زمستان بسیار سخت، باران بسیار، افزایش مرگ و میر کودکان، گسترش طاعون، تب، تولید کم عسل، آفت در درختان میوه به ویژه انگور و... پیش‌بینی شده بود. پس مطابق آن، مردم می‌بایست تدابیر لازم را می‌دیدند (همان، عکس ۱۶-۱۸).

هر ستاره و برج، شکل و جایگاه مخصوص به خود را دارد که می‌توانست نحس یا سعد باشد؛ علاوه بر آن، تناظر و تقابل این بروج و کواکب در سعدی و نحسی اوقات مؤثر بود؛ هر برج، صفات و منسوباتی از مردم، مکان‌ها، اعضاء و بیماری‌ها داشت؛ که می‌توانست اوضاع مردم، اقلیم و بیماری‌های خاصی را باعث شود؛ برای مثال؛ برج حمل: متعلق به ملوک، امرا، لشکریان و مبارزان بود و می‌توانست مسبب

سردرد و چشم درد باشد، برج ثور: نکاح دوست، تیز شهوت و کم فرزند بود؛ یا برج جوزا: آبله و زخم را به همراه داشت و در ماه سرطان: سر تراشیدن، مهمانی رفتن، از شیر گرفتن کودک، ناخن چیدن، نکاح بستن، به خانه نو در آمدن و عمارت بنا کردن نحس بود. (رساله در معرفت تقویم، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴۱۱۲، عکس شماره ۴۳ به بعد؛ علم اصول نجوم، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۵۵، عکس ۵-۳۱). بدین ترتیب، اعمال و رفتار مناسب هر سال و ماه و ساعت تعیین می‌گردید. از طرفی، تقارن کواکب با یکدیگر نیز، می‌توانست دلیل نحوست یا سعادت و یا میانه باشد؛ برای مثال؛ تقارن زحل و زهره برای شروع کارهای سخت‌ودشوار، عیش‌ونوش و میهمانی رفتن بسیار سعد، مقارنه زحل و شمس برای دیدار با سلاطین و انجام امور خیر، سعد بود و مقارنه زحل و رأس جهت دیدار با علما، رفتن به مدرسه و قطع خصومت، سعد بود. افزون بر آن، از مقارنه کواکب، افراد می‌توانستند برای انجام امور خاصی استفاده کنند؛ مانند افزایش میل جنسی، فرزندآوری، مطلع شدن از جنسیت فرزند در رحم، پسردار شدن، دفع حشرات موذی، کسی را در آب انداختن و خفه کردن و... زیرا همگی این‌ها، نیازمند انجام عملی خاص در حالتی ویژه از ماه بود (اختیارات حیدری، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۲۱، عکس ۲۲-۲۵).

بخش مهم دیگری که در تقویم‌های دوره‌ی قاجاریه وجود داشت، احکام خوش‌یمنی و بدیمنی نگاه کردن بود؛ برای مثال؛ در ماه سنبله باید بر روی دختران زیبارو و سبزه و زمین نگاه می‌گردید و از نظر به مردم بد حذر می‌شد؛ یا در ماه اسد، تماشا کردن ترکان، جواهر، سبزه و نگین خوش‌یمن بود (رساله در جنگ، ادعیه و طلسمات، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۱۱۲۹۲، عکس شماره ۶).

در بخش دیگری از این تقویم‌ها، احکام نجومی در امور مشخصی برای استفاده عموم به جهت سعدونحس ایام آموزش داده می‌شد؛ به عنوان مثال؛ برای آگاهی از بیمار شدن یا نشدن، گرفتن دزد و... در برج و کواکب خاصی که بدان پیش‌بینی شده بود، راه کارهایی ارائه می‌گردید (همان، عکس شماره ۱۰-۱۱).

ساعات نیز، همچون سال، ماه و ستارگان دارای سعدی و نحسی بودند؛ بدین ترتیب که، هر ساعت از شبانه‌روز، موکل یک ستاره بود و آن ستاره، سعادت و نحوست آن ساعت را مشخص می‌کرد؛ برای مثال؛ ساعت اول شب شنبه، متعلق به مشتری بود؛ از این‌رو، تجارت، معامله، زراعت، مصالحه و سفر به شمال کشور بسیار سعد بود و یا این که، در ساعت سوم شب چهارشنبه که متعلق به مریخ بود؛ حجامت، رگ زدن و خون ریختن، خواستن حاجت، دیدن فضلا و زایمان بسیار شوم و پر آفت بود (همان؛ عکس شماره ۱۱-۱۲).

افزون بر آن، بخشی از تقویم‌های این دوره، به مسئله انجام اعمال پزشکی، مانند فصد، حجامت، مسهل خوردن و... می‌پرداخت؛ در این تقویم‌ها، احکام نجومی در انجام امور پزشکی در ایام ماه بیان می‌گردید؛

برای مثال؛ فصد کردن در دومین روز ماه قمری، سبب زردی رخسار و در هفتمین روز، بلغم را زیاد می‌کند و... (همان: عکس شماره ۱۳).

### ۳. نظر علما در باب سعدونحس و تنجیم

بر اساس روایات، زمانی که تنجیم به معنای اعتقاد و ایمان به تأثیر ستارگان در زندگی بشر باشد و نیز، منجر به تکذیب قضا و قدر الهی گردد، حرام است. هنگامی که فردی با علم خود به مخالفت با خداوند پرداخته و قصد برگرداندن قضای الهی را داشته باشد و از روی قطع و یقین، حوادث را پیش‌بینی نماید، به گونه‌ای که جایی برای کمک از خداوند و تأثیر وی در امور باقی نماند، این علم، تنجیم نام داشته و تحریم شده است (خرازی، ۱۳۸۶: ۸۱)؛ اما در صورتی که شخصی اجرام آسمانی را در رویدادهای زندگی بشر مؤثر بداند؛ اما ستارگان را در این تأثیر، مستقل یا شریک خداوند نداند، مورد تحریم توسط علما نخواهد بود. تنجیم به خاطر در نظر نگرفتن مشیت و اراده الهی در حوادث و رویدادها، مورد مخالفت دین اسلام قرار گرفت. امام علی<sup>(ع)</sup> نیز، هنگامی که فردی بر اساس پیشگویی‌های نجومی، ایشان را از سفر بازداشتند، فرمودند:

«آیا گمان می‌کنی که ساعت سعدی را که هرکس در آن حرکت کند، از بدی در امان بوده و ساعت نحسی را که هر کس در آن حرکت کند، مبتلا به ضرر و خسارت خواهد شد؟ ... همانا هرکس تو را در این ادعا تصدیق کند، قرآن را تکذیب کرده و ... خود را از استعانت از خداوند بی‌نیاز می‌داند. سپس... فرمود: از یادگیری نجوم برحذر باشید، مگر به اندازه‌ای که در شناخت راه‌های زمینی و دریایی لازم است، چرا که نجوم شخص را به کهنات می‌کشاند و کاهن همانند جادوگر و جادوگر همانند کافر است و کافر در آتش است...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

### ۳-۱. نقد سنت تنجیم از منظر علمای عصر قاجاریه

علما و فقه‌های شیعه در عصر قاجاریه از مخالفان تنجیم بودند؛ آنها تنجیم را مورد ذم قرار داده و حرام می‌دانستند. محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر، از علمای بزرگ آن دوره، با سنت تنجیم و پیشگویی مخالف بود؛ او رمل و فال را به سبب «اعتقاد به کامل حوادث» حرام می‌دانست (نجفی، ۱۴۱۷: ۲۲/۱۰۹). شیخ مرتضی انصاری از برترین فقیهان شیعه دوره‌ی قاجاریه نیز، حکم به تحریم تنجیم داده است. او در اثری با عنوان «المکاسب المحرمه» بیان می‌دارد؛ که هرکس «معتقد به تأثیر ستارگان یا مدخلیت ستارگان در تأثیر باشد، کافر است» (انصاری، ۱۴۱۱: ۲۶-۲۵). وی درباره تحریم تنجیم می‌گوید:

«... خبر دادن از امور غیبی از روی قطع و یقین در هر صورت حرام است ... زیرا در این روایت، پیامبر اکرم خبردهنده از چیز مخفی را همانند ساحر و کاهن و دروغگو قرار داده و همه را حرام می‌داند» (انصاری، ۱۴۱۱: ۵۳).

بدین ترتیب، باور به تنجیم که از ابتدای اسلام از سوی بزرگان دین منع شده بود؛ از سوی علمای بزرگ

عصر قاجاریه نیز، مورد کراهت قرار گرفت. با این حال، مردم این دوره همچون ایام گذشته به این عقیده پایبند بودند و نه تنها دستورهای دین اسلام، بلکه تأکیدات علمای معاصر آن‌ها نیز، در این مسئله تأثیری نداشت.

#### ۴. علل گسترش و توسعه باور به سعدونحس ایام

در تمام جوامع، همواره سیاست، فرهنگ، اقتصاد در تأثیرات متقابل از یکدیگر شکل گرفته‌اند. در این میان، خرافات نیز، متأثر از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی محیط طبیعی، اقلیم و جغرافیا پدید آمده و به رشدونمو در بطن جامعه پرداخته است. در این راستا، می‌توان گفت؛ خرافات در درماندگی و محرومیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز، جنسیتی جوامع ریشه دارد. مردمانی که رفتار خرافات می‌شوند، آن را کنشی مؤثر در برابر مشکلات و بحران‌ها دانسته و در مصائب و سختی‌های مختلف نظیر زمان تولد، مرگ و زناشویی بدان روی آورده و خواستار کمک و یاری از آن می‌شوند (خانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰).

فشار و اختناق در جامعه عصر قاجاریه، عامل مهم شکل‌گیری و رشد خرافات بود. در جوامع استبدادی، ظلم‌وستم و بی‌عدالتی، بستر مناسبی برای گسترش خرافات به وجود می‌آورند (راوندی، ۱۳۷۳: ۴۵۵). زمانی که هیچ‌امیدی برای حمایت، فریادرسی و عدالت در برابر ظلم و فشار وجود نداشته باشد، مردم به ناچار رو به عوالم غیب و ماوراءطبیعه آورده و جهت بهبود شرایط زندگی خویش و نجات از وضع موجود، دست به دامان خرافات می‌شوند. استبداد، فساد، ظلم شاهزادگان و حکام ایالات و ولایات و بی‌قانونی دستگاه حاکم، از مشخصه‌های بارز دوره‌ی قاجاریه بود. همین امر، به ایجاد ناامنی و فشار بر مردم منجر شد. آن‌ها در مقابل این مشکلات هیچ پناهگاهی نداشتند، ناچار به چنین راهکارهایی روی می‌آوردند. نابسامانی اقتصادی وضعیت کشور در دوره قاجاریه، عامل مهم دیگری در رونق باورهای خرافی بود. ضعف اقتصادی کشور در پی جنگ‌های ایران و روسیه، ناکارآمدی نظام مالیات‌گیری، بی‌توجهی به تجارت، کشاورزی، صنعت و مشکلات متعدد دیگر، به کاهش توانایی مردم و فقر عمومی جامعه منجر شد. در پی آن، خشکسالی‌ها، کمبود بارش و قحطی‌های مکرر، در کنار ضعف مدیریت دولت، به وخامت هرچه بیشتر وضعیت اقتصادی کشور و ویرانی دامن می‌زد. در این میان، بی‌سوادی و نواقص نظام آموزشی ایران، یکی دیگر از علل مهم توجه و استقبال مردم به چنین باورهایی بود. به گفته سیاحان خارجی، بی‌سوادی و جهل عامه مردم ایران همچون سدی در مقابل پذیرش اندیشه‌های نوین قد علم کرده بود و از توسعه گفتمان روشنفکری به طبقات پایین جامعه، ممانعت می‌نمود (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۶۰).

عامل بسیار مهم دیگر در گسترش و نهادینه شدن اعتقاد به سعدونحس ایام در کنار سایر باورهایی از این قبیل در این دوره، جایگاه و موقعیت زنان بود. جهل و بی‌سوادی، ظلم و اجحاف بر این گروه، به عنوان

پرورش‌دهندگان نسل‌های بعد، عامل اثر گذاری بود که بر ایجاد خرافات و توسعه آن در عصر قاجاریه تأثیر گذاشت. زنان، رشد و تربیت فکری مناسبی نداشتند و نه تنها از جهان‌بینی روشنی برخوردار نبودند؛ بلکه در حصار مجموعه‌ای از خرافات و اوهام گرفتار شده و راهی برای رهایی از آن نداشتند (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۸۰-۳۸۱)

ضعف شخصیت زن که از سوی جامعه به اجبار به وی تحمیل می‌شد، بی‌سواد، محدود بودن وی به خانه و خانواده و عدم اجازه حضور در اجتماع، سبب عمومیت یافتن کتفه‌فکری و جهالت آنان گردید. به واسطه رفتار جامعه، زنان از اعتماد به نفس اندکی برخوردار بودند و فرمانبردار همسران خویش گردیدند. این زن، مدام مورد سوءاستفاده، اذیت و آزار قرار می‌گرفت و از حمایت‌های محدودکننده برخوردار بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۵۶-۱۵۵)؛ از این‌رو، در مواجهه با مشکلات به واسطه ناآگاهی و ناتوانی، به جادو و خرافات پناه می‌برد. زنان، با روی آوردن به خرافات و جادو و طلسم نه تنها بازار خرافات را گرم‌تر می‌کردند؛ بلکه در نقش مادر، این باور را به فرزندان خویش منتقل نموده و سبب نهادینه شدن آن در جامعه می‌شدند.

#### ۴-۱. پیامدهای سیاسی اعتقاد به سعدونحس ایام:

##### ۴-۱-۱. اعتقاد شاه و دولتمردان قاجاری به سعدونحس

باور به سعدونحس ایام در دوره قاجاریه یک اعتقاد عمومی بود؛ شاهان قاجاری نیز، متأثر از فرهنگ زمانه، به شدت به سعدونحس ایام معتقد بودند. آن‌ها در انجام امور مختلف زندگی به منجمان رجوع می‌کردند. در این میان، به تصریح منابع، منجمانی معروف در دربار قاجارها در کنار شاهان حضور داشتند. اعتماد السلطنه و سایر منابع این دوره، از افراد مختلفی به عنوان منجم‌باشی شاهان قاجاری و حتی زنان پرنفوذی چون مهدعلیا نام برده‌اند (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۲۹۸/۱ و ۲۹۹ و ۲۷۴).

یکی از مهم‌ترین نکاتی که شاهان قاجاری در هنگام جلوس مدنظر داشتند، تاج‌گذاری در لحظه سعد و میمون بود. به عقیده آن‌ها، اگر تاج‌گذاری در ساعتی نحس انجام می‌شد، عواقبی ناگوار برای پادشاه و مملکت به همراه داشت؛ بر اساس منابع دوره‌ی قاجاریه، تمامی شاهان این سلسله، ضمن مشورت با منجمان، لحظه‌ای سعد را برای تاج‌گذاری و به تخت نشستن برمی‌گزیدند (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۲۲۵ و ۳۱۴. نوری، ۱۳۸۶: ۳۹؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۹/۲).

پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین میرزای ولیعهد، در ورود به پایتخت، برای تاج‌گذاری، تعلل ورزید؛ زیرا وجود دو عدد ۱۳ در سال تاج‌گذاری (۱۳۱۳ ق) را نحس می‌دانست؛ پس، آمدن به پایتخت را چنان به تأخیر انداخت، تا این سال به پایان رسد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۹/۲).

تنها محمدعلی‌شاه بود که برای جلوس بر تخت پادشاهی و انتخاب زمان تاج‌گذاری، بر اساس نظر

منجمان عمل نکرد. وی در ساعتی متفاوت با آنچه منجم دربار به عنوان ساعت سعد تعیین کرده بود، تاج‌گذاری و رسومات و قوانین را نیز، اجرا نکرد؛ به گفته دالمانی به عقیده مردم، این کار موجب برخی پیشامدها شد که در سقوط وی مؤثر واقع گردید (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۷-۶۶).

شاهزادگان و بزرگان و اشراف قاجاری نیز، به شدت به سعدونحس پایبند بودند. آن‌ها نه تنها این قوانین را در زندگی روزمره به کار می‌بردند؛ بلکه در موقعیت‌های مختلف سیاسی و نظامی نیز، بر همین اساس عمل می‌کردند. این گروه، به واسطه برخورداری از تمکن مالی لازم، منجمان خصوصی برای خود استخدام نموده و در مواقع لزوم، به آنها رجوع می‌کردند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۹). حکام و شاهزادگان مستقر در ایالات و ولایات نیز، در دستگاه خود منجمانی داشتند. این منجمان، آن‌ها را در تعیین زمان مناسب و سعد جهت انجام امور ایالات یاری می‌دادند. به گفته جیمز موریه، هر شهری در ایران دارای منجمی مخصوص بود (موریه، ۱۳۸۶: ۷۳/۲).

تعیین زمان تحویل سال نو، انتخاب زمان سعد برای آغاز سفر و حرکت، ورود و خروج از شهر، دیدار با سفرا و افراد مختلف، از وظایف منجمان بود. اشراف و بزرگان نیز در انجام امور فوق، بر اساس نظر منجمان عمل می‌کردند. آقامحمدخان نیز، به شدت به این امر معتقد بود؛ وی در هنگام بازگشت از لشکرکشی خراسان به تهران، در هنگام ورود به شهر، دو روز در فیروزکوه اتراق نمود تا زمان و لحظه سعد برای ورود به شهر فرابرسد؛ زیرا به عقیده منجمان، زمان ورود به شهر سعد نبود. بن‌تان، سفیر فرانسه در ایران ۱۲۲۱ ق/ ۱۸۰۷ م نیز، از اهتمام فتحعلی‌شاه به رعایت ساعت سعدونحس در هنگام سفر و حتی ملاقات با سفرای خارجی سخن گفته است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۱). در کتاب «سرگذشت حاجی بابا»، از تعیین زمان سعد برای حرکت فتحعلی‌شاه به اردوی سلطانیه توسط منجمین نام برده شده؛ که زمان حرکت به طور دقیق در بیست‌ویکم ربیع‌الاول و حدود چهل‌وپنج دقیقه پیش از طلوع آفتاب تعیین گردیده بود (موریه، ۱۳۵۱: ۳۱۲).

شاهان و حکام عصر قاجاریه، نه تنها در انجام امور روزمره بر اساس نظر منجمان عمل می‌کردند؛ بلکه در امور دولتی و رویدادهای سیاسی و نظامی نیز، نظر منجمان را جویا شده و توصیه‌های آن‌ها را رعایت می‌نمودند. گفته شده، در هنگام شورش خوانین خراسان در سال ۱۲۲۹ ق، فتحعلی‌شاه از میرزا محمدحسین اصفهانی منجم‌باشی دربار، نظرخواهی کرد. منجم‌باشی، ضمن بررسی حرکات اجرام آسمانی اعلام کرد که بر اساس نحوه قرارگیری ستارگان، دوره حکمرانی خوانین مذکور، تنها هفده‌سال بوده و از آنجا که هفده سال از دوران قدرت آن‌ها در خراسان گذشته، زمان برای لشکرکشی به خراسان و حمله به آن‌ها مناسب است. فتحعلی‌شاه نیز، نظر منجم‌باشی را پذیرفته و ولیعهد را برای سرکوبی خوانین مذکور به خراسان گسیل نمود (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۹/۹).

نفوذ این عقیده در میان بزرگان و کارگزاران دولت قاجاریه چنان بود که، آن‌ها اداره امور کشور را بر اساس چنین اعتقادی پیش می‌بردند. منجم‌باشی همواره در دربار حضور داشت تا در انجام هرکاری شاه را

یاری دهد. شاه حتی در امور شخصی و روزمره مانند رفتن به شکار، صیغه نمودن زنان و... به گفته وی عمل می‌کرد و در صورت عدم موافقت او، به هیچ کاری مبادرت نمی‌ورزید (افراسیابی، ۱۳۷۱: ۲۹۱).

## ۵. پیامدهای اجتماعی اعتقاد به سعدونحس ایام

### ۵-۱. تأثیر باور به سعدونحس در پزشکی

در عصر قاجاریه در انجام امور پزشکی و درمانی همچون خوردن دارو، انجام عمل جراحی، رگ زدن، حجامت کردن و مسهل خوردن و... ساعات سعدونحس در نظر گرفته می‌شد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۴۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۴۲۶). مردم زمانی که بیمار می‌شدند و به پزشک مراجعه می‌کردند، به هنگام استفاده از داروی تجویز شده توسط پزشک، بر اساس دستورهای تقویم نجومی عمل کرده و توصیه‌های پزشک را در این زمینه در نظر نمی‌گرفتند؛ زیرا معتقد بودند ممکن است، خوردن دارو را در زمانی نحس آغاز کنند و این امر منجر به وخامت هرچه بیشتر بیماری و احیاناً مرگ شود. از این‌رو، در صورتی که منجم، نوشیدن دارو را در ساعت یا روزی خاص تأیید نمی‌کرد، دارو مصرف نمی‌شد (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۵۵). حتی گاهی، بیمار به واسطه شرایط حاد همچون عمل آپاندیسیت به عمل جراحی فوری نیازمند بود؛ اما بیماران تا فرا رسیدن زمان سعد، هرگز تن به اینکار نمی‌دادند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۴۳-۲۴۲).

مردم، انتشار بیماری‌های همه‌گیر را نیز، متأثر از حرکات اجرام آسمانی و به تأثیر از نیروهای ماوراءطبیعی می‌دانستند. هنگامی که در سال ۱۲۳۴ ق در شیراز، وبا همه‌گیر شد؛ مردم گمان می‌کردند این بیماری به سبب تأثیر ستاره سهیل حادث شده است (فلور، ۱۳۸۶: ۹۵). به عقیده مردم، این ستاره در وقوع نحوست و ایجاد مشکلات و بیماری بسیار مؤثر بود. مردم حتی برای حمام رفتن نیز، بر اساس توصیه تقویم‌ها اقدام می‌نمودند. مراغه‌ای در «سیاحتنامه ابراهیم بیگ» این عمل را به چالش کشیده است:

«... هر وقت بدن شما به تستشو نیاز داشت، بدون تعیین نیک و بد ایام به حمام بروید که سعدترین ساعت همان است و هر زمان ناخوش شدید، پیش طبیب رفته و معالجه کنید من نمی‌گویم تقویم لازم نیست، البته تقویم برای هر ملتی لازم است، اما نه این تقویم ایران که در سر هر صحیفه آن بنویسند، اوضاع این ماه دلالت میکند به شوری پنیر و شیرینی شکر و به نرمی پنبه و درشتی حجر» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

### ۵-۲. تأثیر باور به سعدونحس در امور روزمره

تقویم‌های منجمان که ساعات و روزهای سعد را جهت انجام امور در ماه‌های مختلف مشخص نموده بودند؛ در آغاز سال در تمام شهرها به فروش می‌رسید و مردم از تمامی طبقات، آن‌ها را خریداری و امور زندگی خود را بر اساس آن‌ها تنظیم می‌کردند. این امر، موجب رونق کار منجمان و افزایش ثروت آن‌ها شده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۳۱۹/۲). به گفته اولیویه هیچ کاری در



ایران سودمندتر و درآمدزا تر از ستاره‌شناسی و آگاهی از نجوم نبود (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۶۹). در انجام امور دیوانی، آغاز نوشتن کتابی جدید، تعلیم و تعلم، بنا کردن ساختمانی جدید، قباله و سند نوشتن، نام‌گذاری کودک، به گهواره نهادن و از شیر گرفتن او، به تقویم مراجعه و در ساعت سعد اعمال فوق آغاز می‌گردید (رایس، ۱۳۸۳: ۱۹۸). دالمانی از مراجعه به تقویم برای انجام هر عملی، حتی خرید، پوشیدن لباس و جوراب توسط ایرانیان سخن گفته است:

«... برای گرفتن تصمیمی و با انجام هر عملی، بتقویم مراجعه می‌کنند و بدون مشورت با منجمین کاری را انجام نمی‌دهند؛ مثلاً مرد برای پوشیدن لباس تازه باید به تقویم نگاه کند و در ساعت سعدی این لباس را بپوشد و حتی در خرید کفش و جوراب و لوازم خانه نیز، این تشریفات دخالت دارند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۱۵-۳۱۴).

در کارهای مهم‌تری نظیر تعیین روز ازدواج و بردن جهیزیه نیز، به همین منوال عمل می‌شد:

«... در روزی که ساعت نیک باشد و تقویم رسمی آنرا پیش‌بینی کرده باشد، از دوستان و آشنایان هردو خانواده دعوت به عمل می‌آید و مجلس عقدکنان منعقد می‌گردد. معمولاً در روزهایی که ماه در محاق واقع شود و زمین را روشن نکند و در مواقع قمر در عقرب و اوقاتی که ماه با سیارات مریخ و زحل تقارن پیدا کند، ساعت نحس است و نباید به عقدکنان مبادرت نمود» (همان: ۲۵۹).

آغاز سفر نیز، حتماً باید در زمانی سعد صورت می‌گرفت. ابراهیم بیگ در سیاحتنامه‌اش در این باره می‌گوید: مردم او را از سفر در روز خاصی بازداشتند، زیرا آن روز نحس بود (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۳۳). در کتاب «سرگذشت حاجی بابا»، ابوالحسن خان ایلچی، اتفاقات ناگواری را که در مدت اقامتش در مشهد رخ داد، به واسطه ورود به مشهد در ساعتی نحس تفسیر می‌کند:

«خلاصه یقینم شد که ساعت ورود بد بوده، اول کمرم شکست و بعد از آن ناخنم ریخت. اگر قدری دیگر بمانم شاید خونم بریزد؟» (موریه، ۱۳۵۱: ۱۴۵).

سرجان ملکم نیز، در باب انتخاب زمان سعد برای حرکت سفرای ایران به خارج اشاره دارد:

«در ایران نیز مردمی که وسعتی دارند، کاری بدون رجوع به ستارگان نمی‌کنند. در اختیار امری، یا شروع سفری یا پوشیدن لباس نو باید ساعت دیده [تقویم بررسی شود] و رأی منجم پرسیده شود. بعضی اوقات اگر کسی بخواهد سفر کند و هنوز اسباب سفر فراهم نیامده باشد، لکن ساعت خوب باشد، از خانه خود نقل مکان بجای دیگر می‌کند و احتمال دارد تا فراهم آمدن اسباب به زحمت می‌گذارند و همین قدر خوش است که به ساعت سعد حرکت کرده است» (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۳۳/۲).

حتی ورود سفرا به تهران نیز، باید در ساعت سعد صورت می‌گرفت. لیدی شیل در خاطرات خود نوشته است: زمانی که وی به همراه هیأت رسمی انگلیس قصد ورود به تهران را داشت، آن‌ها را مجبور کردند سه روز در یک فرسنگی تهران منتظر بمانند تا لحظه و ساعت سعد برای ورود به تهران برسد (شیل، ۱۳۶۸، ۵۹).

علاقه به نجوم و تعیین سعدونحس اوقات در میان روستاییان و ایلات نیز، رایج بود (ویلز، ۱۳۶۷: ۱۵۹). بختیاری‌ها به ساعات سعدونحس در انجام کارها به شدت پایبند بودند. آن‌ها در سایر اعمال نظیر کوچ، کار و زراعت، خواستگاری، کوبیدن میخ سیاه چادر در قشلاق و بیلاق، ساعات سعدونحس را جستجو نموده و بر اساس آن عمل می‌نمودند (باقری، ۱۳۷۹: ۲۴۷).

در این دوره، به واسطه سفر ایرانیان به اروپا، روشنفکران و تحصیل‌کردگان با ستاره‌شناسی جدید آشنا شده و به مخالفت و انتقاد از تنجیم پرداختند. غالب افراد تحصیل‌کرده، منکر و منتقد مسئله سعدونحس بودند؛ تحت تأثیر شرایط موجود و نیز بر اساس مخالفت‌های علما، ناصرالدین‌شاه به رغم میل شخصی خود، در سال ۱۲۳۹ ش، نوشتن احکام نجوم در تقویم‌ها را ممنوع اعلام نمود (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱/۱۲۹). با این حال، تا سال‌ها پس از این دستور، تقویم‌های حاوی اوقات سعدونحس همچنان سالانه منتشر و مورد استفاده همگان قرار می‌گرفت.

### نتیجه‌گیری

جامعه عصر قاجاریه به علت مشکلات عدیده سیاسی و اجتماعی، دچار افکار و باورهای غیرمنطقی، خلاف عقل و خرافی نظیر اعتقاد به سعدونحس ایام بود. با وجود اینکه دین اسلام مخالف چنین عقایدی بود؛ اما مردم همچنان به چنین باورهایی پایبند بودند. بی‌اطلاعی و عدم آگاهی از روابط علت و معلولی، حوادث طبیعی و غیرطبیعی مختلف همچون بیماری، مرگ و میر، زلزله، سیل و... به شکل‌گیری چنین باوری‌هایی منجر شد. در این میان، فقدان آموزش، در دامن زدن به این وضعیت، نقشی مؤثر داشت. از سوی دیگر، وضعیت استبدادی جامعه، فقر و عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی به همراه جایگاه نازل زنان به عنوان گروهی مهم و تأثیرگذار در جامعه، عاملی مهم در رونق و گسترش این امر بود. زنان که از حقوق اولیه خود محروم بودند؛ راه مقابله با مصائب و نامالایمات زندگی را پناه بردن به چنین عقایدی یافته بودند. افزون بر آن، مقاومت جامعه عصر قاجاری در مقابل کشفیات علوم جدید نیز، به نهادینه شدن و تداوم هرچه بیشتر چنین باورهایی در جامعه دامن می‌زد. در این میان، غالب مردم طبقات مختلف از اشراف تا فقرا و حتی شاهان تحت تأثیر فضای گفتمانی موجود، بدون در نظر گرفتن ساعات سعدونحس به کاری مبادرت نمی‌نمودند.

### کتاب‌نامه

- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲). *مطلع الشمس*. ج ۲، تهران: فرهنگسرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*. ترجمه: ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: سخن.
- اختیارات حیدری، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۲۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (بی‌تا). *چهل سال تاریخ ایران*. ج ۱، تهران: انتشارات اساطیر.
- افراسیابی، بهرام. (۱۳۷۱). *شاه ذوالقرنین و خاطرات ملیجک*. تهران: سخن.
- افشانی، علیرضا (۱۳۹۱). *خرافه و جامعه دینی*. اصفهان: دفتر حوزه علمی قم.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۱). *المکاسب المحرمه*. قم: دارالذخائر.
- اولیویه. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه: محمدطاهر میرزا، به کوشش غلامرضا ورهرا، تهران: اطلاعات.
- باقری، قباد. (۱۳۷۹) *بختیاری در گذر زمان*. تهران: مؤسسه انتشارات آیات.
- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب*. مترجم: مجید جلیلوند، تهران: مرکز.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد. (۱۳۶۷). *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم*. مصحح: جلال همایی، تهران: هما.
- پورملائی، روح‌الله و دیگران. (۱۳۹۳). «واکاوی نقش فرهنگ ناسالم سیاسی (خرافه‌گرایی و تقدیرگرایی) بر توسعه نیافتگی عصر قاجار تا پیش از مشروطه». *پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۴۲.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*. مترجم: کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تقویم رومی چهل و سومین سال سلطنت، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۱۱۰۹۲.
- ثقفی، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی تعامل تنجیم و طبابت با مرور اجمالی بر فعالیت‌های حاجی نجم‌الدوله و خاندان وی»، *فصلنامه تاریخ پزشکی*، سال هفتم، شماره بیست و دوم.
- جاهودا، گوستاو. (۱۳۶۳). *روانشناسی خرافات*. ترجمه: محمدتقی براهنی، تهران: البرز.
- جدول خطوط کواکب و اختیارات ساعات و سعدونحس روزها، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۱۴۷/۷۳۸۷.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعدونحس ایام (مروری بر رساله انوار مشرقه خاتون آبادی)». *مجله پیام بهارستان*، سال سوم، شماره ۱۰.
- جعفریان، رسول. (بی‌تا). «جدال تقویم شرعی با تقویم نجومی در دوره‌ی اخیر صفوی»، *مجله مقالات و رسالات تاریخی*، شماره چهارم.
- جهانگیر میرزا قاجار. (۱۳۸۴). *تاریخ نو*. به سعی و اهتمام عباس اقبال، بی‌جا: علم.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹). *معارف و معاریف*. ج ۵. قم: مؤسسه فرهنگی آیه.
- خوری شرتوتی لبنانی (۱۹۹۲). *اقرب الموارد*. ج ۱. بیروت: مکتبه لبنان ناشرین.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه: علی محمد فرهوشی، تهران: امیرکبیر.
- رساله در جنگ، ادعیه و طلسمات، نسخه خطی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۱/۱۱۲۹۲.
- رساله در معرفت تقویم، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴۱۱۲.
- رساله علم اصول نجوم، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۵۵/۱.
- روزنامه اختر*، ۱۲۹۴، (۴۳).
- زرگری، فاطمه و علی یحیایی. (۱۳۹۳). «تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم قمری». *مجله مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۹۳.

- شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۳۹۲ ق). *نقش سلیمانی در علوم غریبه خاصه احضار ارواح، سحر و طلسمات*. بی‌جا: مکتبه عربیه.
- علامه طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۰). *المیزان*. ج ۱. ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی. بی‌جا: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- علم اصول نجوم، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۵۸۵۵/۱.
- فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. (۱۳۹۲). ترجمه و تدوین: حسینعلی نوذری. تهران: طرح نو.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۶). *سلامت مردم در ایران قاجار*. ترجمه: ایرج نبی پور، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران؛ مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی.
- قمی، ابونصر حسن. (۱۳۷۵). *ترجمه المدخل الی علم احکام نجوم*. تصحیح: جلیل اخوان زنجانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران: کخوارزمی.
- کنزالحساب، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره ۴۵۲۰.
- لیدی شیل، مری لئونورا ویت. (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل*. ترجمه: لیدی شیلحسین ابوترایان، تهران: نو.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۸۸). *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*. مصحح: محمدعلی سپانلو، تهران: آگاه.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*. تهران: زوار.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۹۰). *مروج الذهب*. ج ۲. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- مقامات ۱۰۹۸ ق، ملک، شماره ۵۷۴۲.
- ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت، ج ۲، تهران: افسون.
- موریه، جیمز. (۱۳۵۱). *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*. تبریز: کتاب فروشی حاج محمدباقر کتابچی حقیقت.
- نجفی، محمد حسین. (۱۴۱۷). *جواهرالکلام فی شرح الشرایع الاسلام*. جلد ۲۲، قم: جامعه مدرسین قم.
- نوری، محمدتقی. (۱۳۸۶). *اشرف التواریخ*. مصحح: سوسن اصیلی، تهران: میراث مکتوب.
- نهج البلاغه*. (۱۳۷۹). ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران: فقیه.
- نیلنو، کرلو آلفونسو. (بی‌تا). *تاریخ نجوم اسلامی*. ترجمه: احمد آرام، بی‌جا: کانون نشر.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه: علی پیرنیا، تهران: موسسه انتشارات نوین.
- ویلز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش*. ترجمه: غلامحسین قراگوزلو، تهران: انتشارات اقبال.
- هدایت، رضا قلی (۱۳۸۰). *روضه الصفاى ناصری*. تصحیح و تیحشیه: جمشید کیانفر، جلد ۹ (۱۵)، تهران: اساطیر.